

دیوان

شکستہ انسانوں

(۷۸۷-۸۳۲ ق)

مقدمہ و توضیح :

دکتر حسن نصیری جانا



انتشارات مولیٰ

سرشناسه: قاسم انوار، علی بن نصیر، ۸۳۷-۷۵۷ق.

عنوان قراردادی: دیوان

عنوان و نام پدیدآور: دیوان شاه قاسم انوار (۷۵۷ - ۸۳۷ ق)

تصحیح و توضیح حسن نصیری جامی.

مشخصات نشر: تهران: مولی، ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: جلد، ۴۰۰ ص.

شابک: 978-600-339-011-9

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۹ق.

شناسه افزوده: نصیری جامی، حسن، ۱۳۴۵ - مصحح

رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ PIR۵۷۸۴۵۹

رده بندی دیویی: ۸۵۱/۳۳

شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۲۱۳۹۴



انتشارات مولی

تهران: خیابان انقلاب - چهارراه ابوریحان - شماره ۸ - پلاک ۱۰۸ - تلفن: ۶۶۴۰۹۲۴۱ - ۶۶۴۰۰۷۹ - نمابر: ۶۶۴۰۰۷۹

www.molapub.com • Email: molapub@yahoo.com

دیوان شاه قاسم انوار

مقدمه، تصحیح و توضیح: دکتر حسن نصیری جامی

چاپ اول: ۱۳۹۳-۱۴۳۵ • ۵۲۰ نسخه • ۲۲۵/۱
۹۳

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۹-۰۱۱-۹ ISBN: 978-600-339-011-9

خط و عکس روی جلد: استاد عبدالرحیم تاج محمدی

حروفچینی: کوشش • لیتوگرافی: طیف نگار • چاپ: ایران مصور • صحافی: نوری

کلیه حقوق مربوط به این اثر محفوظ و متعلق به انتشارات مولی است



انتشارات مولی
۳۰۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

نه	اول ستر
سیزده	زندگی و آ انوار
بیست و پنج	معرفی نسخه ها
۳	غزلیات
۳۳۱	رباعیات
۳۴۱	ترجیع بند
۳۴۷	مرائی
۳۴۹	مثنوی ها
۳۵۲	مقطعات
۳۶۱	ملمعات

فهرست ها

۳۶۷	فهرست اشعار
۳۸۱	فهرست اشارات (آیات و اخبار و ادعیه و تعبیرات عربی)
۳۸۴	فهرست اعلام - اشخاص
۳۸۶	فهرست اعلام - آثار و فرق
۳۸۷	فهرست اعلام مکان ها
۳۸۸	فهرست اصناف و طبقات اجتماعی
۳۹۰	فهرست نام حیوانات
۳۹۱	فهرست اصطلاحات و مفاهیم عرفانی
۳۹۹	فهرست منابع

اول دفتر

نور است این گرم سبزه گرم و از خرگرد (خرگرد) جام و «لنگر شاه قاسم انوار» برمی گردم؛ دیاری غریب و گم و گشت و از یاد می رفته بودم تا در پایان کار تصحیح دیوان بر آرامگاه شاه قاسم عرض ادب و ارادت می نمایم. - هرچه شد قبر به پنج سال است که با اشعار و آثار وی مأنوسم و این انس چندساله مسلماً دلبستگی و ارادت می آید. - این بار که بر ویرانه های کهن خرگرد جام رسیدم همان ابتدا پیاده شدم؛ چقدر تاریخ در این بیست و شش کیلومتری شهر «تربت جام» دفن است!

زمانی این ناحیه پرورده و مسامله بوده، عبدالرحمان جامی «شاعر بلند آوازه قرن نهم در اینجا به دنیا آمده و کودکی را بالیده است، خاهرزاق او عبدالله هاتفی» که از شاعران صاحب نام عصر خویش بوده در این ناحیه زیسته و عمر بلند و پر شور را در این کهن بادی به سر برده، و هم رونق و صفای از دست رفته این ناحیه از یاد رفته «شاه قاسم انوار» را دیده و دامن گیر نموده تا عمر و پیرانه سری را به عزت و منزلت در حلقه یاران این سامان به سامان رسانجام برساند.

آهسته تر رفته تا اندیشه و خیال رهاتر و آسوده تر باشد بر این محمل آثار و تاریخ سبکتر گام بردارد. هوا خوب است و بوی بهار می دهد، طعم خوش باغستان و اینک نم نمک می رسد بهار. اندک اندک به بنای باستانی آرامگاه شاه قاسم رسیدم - «شاهها! سلام علیکم» آرامگاه آرام بود و خلوت، ساعتی در آن خلوت دل خواسته گشتم. خشت خشت بنا بوی تاریخ می داد، بنایی که البته از گزند باد و باران و گذر ایام مصون نبوده و در و دیوار به هم ریخته اش به تو می گوید که بنای پیر روزگاری عروس معماری این سامان بوده و جلوه و جلای دیگر داشته است. بنایی که از سر از تاریخ فراموشی به امر امیرکبیر با فرهنگ عصر تیموریان «امیر علیشیر نوایی» بنا گردیده. سری می چرخانم، چقدر بناهای و دل نوشته بر دیوارهای بنا می بینم! غالباً تاریخ دار و با نام و نشان و از اعصار دور.

مسلماً این دل نوشته های بر دیوار - که غالباً عباراتی بلیغ و اشعاری زیبا و استوار دارند - می تواند بخشی از فرهنگ و میراث مکتوب (و مکتوم) ایران زمین به شمار آید. چه بسیار زایران و مسافرانی که روزان و شبانی را در این بنای آرامگاهی و لنگرگاه عرفانی به سر برده اند. به راستی این بنا و خلوت

روزگارانی نه دور، کھف مسافران و مقصد زایران و محفل گرم یاران بوده است؛ همان بزم محبت «نوابی» این سامان «که آنجا، گدایی و شاهی مقابل نشینند». نشان به آن نشان که «شاه اسماعیل صفوی» در سال ۹۱۶ هجری پس از پیروزی بر «شیبک خان ازبک» بر سر راه به زیارت مرقد این سید هم‌ولایتی و هم‌عشیره خانقاهی‌اش آمد و چندی را به ارادت در این آرامگاه و لنگر گذراند؛ از درویش و وضع و شریف به دیدار سلطان رفتند و با وی مقابل نشستند. در همان زمان و در همین بنای تاریخ‌ساز بود که هاتفی شاعر، خواهرزاده جامی به دیدار سلطان صفوی رفت و عزم سلطان را از خصومت‌ها و خونریزی‌ها و «خامی» پنداشتن «جامی» گردانید و با اعزاز و اکرام دستور یافت تا «شهنشاه نامه» و «حماسه فتوحات شاهی» مؤلف را به نظم درآورد.

بر راستی نمی‌توان تاریخ در این گوشه مرز پرگهر چقدر به گرمی و مهر می‌تپد! هنوز هم پس از قرن‌ها شاه قاسم انوار شاه دلی ملک دل‌های این دیار به شمار می‌آید و بر قلب و دل پر احساس مردمان زلال و صاحب‌دل این امارت حکمرانی می‌کند.

آرامگاه او هنوز هم عیار و گرمی بزم محبت را به یادگار دارد؛ چه بسیار شکسته‌دلانی که از دور و نزدیک به زیارت «سید قاسم» می‌آیند و خلوت شمع و دعا و نیاز به سبکباری دل می‌رسند و گاهی از سر ارادت و دل‌بستگی و به نشان کار فرستاده خود بر پنجره کوچک آرامگاه می‌بندند و با دل زلال می‌روند. شاید خیلی از آنها به راستی و درستی ندانند که سید قاسم دوانی سراسر شور و غزل از اشعار پرشور دارد و رساله‌هایی مغتنم و گران‌سنگ به یادگار نموده است که از بنام‌ترین و شاخص‌ترین شاعران عارف عصر تیموریان به شمار می‌رود. شاید بسیاری از آنان در احوال و سوانح زندگی سید چیزی ندانند و ندانند که سید در روزگار خویش «آفتاب ملک معنی» بوده است، آفتابی که غالباً به ناچار و به اجبار «زمیغ منکران اندر حجاب» و انکار زندگی را گذرانیده است. (رف: انیس‌العالمین، ص ۱۸۷)

حق با این بسیاران است؛ زیرا در عرصه ادب و تحقیق معمولاً بیش‌تر به بلند شاعر و عارف شاخص و اندک شمار توجه شده و کمتر به احوال و اشعار و آثار شاعران و عارفانی همچون قاسم انوار پرداخته شده است و دانش و کوشش و دانسته‌های ما دربارهٔ سید اندک و کم‌رقی است. گواه ما همین دیوان پیش‌روست. با وجود نسخه‌های بسیار و اقبال پیشینیان به اشعار سید قاسم انوار، کلیات وی سال‌ها پیش - سال ۱۳۳۷ شمسی - به همت دانشمند کوشا، روانشاد سعید نفیسی نشر یافت که همان از عزم و کوشش آن روزگاران دارد و از آن روزگاران - به درازنایی بیش از نیم قرن - توجه و کوشش به افشای دربارهٔ این عارف شاعر صورت نگرفته است. در حالی‌که می‌دانیم اشعار و آثار وی بخشی از میراث عرفانی و خانقاهی خراسان در قرن‌های هشتم و نهم به شمار می‌آید و زندگی و احوال وی نیز روایتی روشن از منازعات فکری و فرقه‌ای و تنازعات نظام خانقاهی عصر تیموریان است.

از این‌رو، شاه قاسم انوار در این عرصه و قلمرو می‌تواند یک شاخص - با همه ویژگی‌ها - به شمار آید، شاخصی که ناگفته‌ها و نکته‌های بسیاری دربارهٔ وی وجود دارد. اکنون بسیاری از مطالعات ما - آن‌گونه که

در مقدمه پیشرو خواهید دید - منحصر است به معدود روایات مکرر تاریخی و اشارات تذکره‌های خانقاهی که آنها نیز عموماً مطلوب و مقهور نظام مسلط درباری و خانقاهی عصر - نقشبندیه - بوده‌اند و کمتر به اندیشه‌ها و سوانح زندگی انوار فارغ از سایه تمایلات و گرایش‌های عصر پرداخته‌اند.

مجال مقدمه کوتاه پیشرو سعی گردیده است به مهمترین نکته‌ها در زندگی و آثار اشاره شود و خواننده خواهند می‌تواند برای بررسی مبسوط به کتاب «بررسی احوال و آثار شاه قاسم انوار» از این قلم مراجعه نماید. در تصحیح دیوان نیز - با احترام به کوشش روانشاد سعید نفیسی - کهن‌ترین و مستندترین متنوع‌ترین نسخه‌ها پیش رو بوده تا این کوشش با توجه به نسخه‌های نویافته و مقابله‌های بایسته - امید برم - فراخور نگاه و نیاز علمی و انتقادی امروز ما باشد.

اکنون که این نوشته را به پایان می‌برم و بر راه رفته و سال‌های گذشته می‌نگرم احساسی توأمان از غم و سادی برم؛ اندک احساس مبدا - و نیاید - این تصحیح و کوشش چندساله و پرنسخه که با سعی و بضاعت این قلم هم بود باز هم گامی و قدمی را بر شناخت و رغبتی را بر تحقیق و پژوهش درباره این عارف شاعر نیفتد و این ورق برگ‌های جوان و پر امید به بار تحقیق و ثمر شناخت ننشیند؛ و باز خوشحالم که پس از سالها هم جواری هم‌سفر چند ساله - به لطف خدا - تصحیح دیوان و نیز مثنوی انیس‌العارفین - به انضمام پنج رساله به پایان و سرانجام رسید و دفتری در شرح احوال و آثار انوار نوشته شد، و صد البته که عمر می‌گذرد و ما می‌ویم و باید این نشان ارادت و هم‌جواری به یادگار اندکی بیشتر بپاید و بر یادها بماند.

در پایان به رسم ادب و حق‌گزاری، سپاسگزار محبت و نصرت عزیزانی هستم که صمیمانه در این راه همدلی و همراهی نمودند. سپاس‌ها دارم از:

- بزرگواران بخش نسخ خطی کتابخانه دانشگاه تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابخانه ملی، کاخ گلستان و کتابخانه بزرگ یه‌الله مشهدی قم.

- دانشجویان گرامی سرکار خانم‌ها حنیفه مفهومی، سیمیه غریبی، فاطمه سالاری که در بازخوانی‌ها و تایپ اولیه و تنظیم فهرست با دقت و محنت همراهی نمودند.

- مدیر با فرهنگ و نیک‌خصال انتشارات مولی، جناب آقای مهندس مهدی که نصیر و حوصله از رفیق و محبت دریغ نورزیدند.

و در پایان عذر تقصیری دارم از گران‌جانی‌ها و آهن‌دلی‌هایی که در ضمن تصحیح و تحقیق بر زندگی و خانواده‌ام روا داشته‌ام و سپاسگزارم از آنها که مهربانانه در این صعب‌کاری‌ها همراهی و هم‌راهی نمودند. با بهترین آرزوها:

و حوّل حائنا الی أحسن الحال

نوروز ۱۳۹۳

حسن نصیری جامی